یادداشت

پیامدهای چندلایه جنگ ایران بر اقتصاد منطقه و معادلات جهانی

ترجمه: سیدیاسر خلخالی

بحران جنگ امریکایی-اسراییلی علیه جمهوری اسلامی ایران هر روز ابعاد جدیدی به خود می‌گیرد، در این بین رسانه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای هر یک از منظر خود این مساله را مورد بررسی قرار داده‌اند که چکیده این نظرات در شش بند زیر خلاصه می‌شود.

۱- کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان خلیج‌فارس- روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی با عنوان «خریداران خلیج‌فارس در پی افزایش تورم ناشی از جنگ، خرید کالاهای لوکس را کاهش می‌دهند» به بررسی وضعیت شرکت‌های خرده‌فروشی در کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس پرداخته است. این گزارش از افت شاخص‌های عملکرد شرکت‌ها خبر می‌دهد: سود لولو ریتیل در ۹ ماهه نخست سال ۲۸ درصد کاهش یافته، درآمد خرده‌فروشی گروه ماجد الفطیم در نیمه نخست سال ۶ درصد افت کرده و درآمد دبی دیوتی فری ۲۵.۳ درصد پایین آمده است. کاهش تردد مسافران و افت فعالیت‌های گردشگری نیز فشار مضاعفی بر بازار مصرف وارد کرده و به تعدیل نیروی انسانی در برخی شرکت‌های خرده‌فروشی انجامیده است.

۲- تغییر نقشه تجارت و حمل‌ونقل خلیج‌فارس- گرگ کارلستروم، خبرنگار حوزه خاورمیانه، در گزارشی در مجله اکونومیست از تغییرات گسترده در شبکه حمل و نقل و تجارت کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس نوشته است. یکی از نشانه‌های این تحول، افزایش شمار کامیون‌هایی است که کالاها را از بنادر عربستان در دریای سرخ به مقصد دیگر کشورهای منطقه منتقل می‌کنند. در مقابل، گزارش از کاهش چشمگیر فعالیت حمل و نقل هوایی حکایت دارد؛ تغییری که می‌تواند مسیرهای تامین کالا و هزینه‌های لجستیکی منطقه را دگرگون کند.

۳- نظارت بر عملیات محرمانه سازمان سیا- روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی درباره جیم هایمز، رییس آتی کمیته اطلاعات مجلس نمایندگان امریکا، به برنامه نظارتی دموکرات‌ها بر فعالیت‌های اطلاعاتی در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ پرداخته است. عملیات سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) در ونزوئلا و نقش این سازمان در تحولات منتهی به بازداشت نیکلاس مادورو، از جمله موضوعاتی است که در این گزارش به عنوان محورهای فعالیت محرمانه امریکا مطرح شده است.

۴- اختلاف در راس ساختار امنیتی اسراییل- شبکه ۱۲ تلویزیون اسراییل در گزارشی اختصاصی از تداوم اختلاف میان بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسراییل و ایال زامیر، رییس ستاد ارتش این رژیم، درباره احتمال اجرای عملیات نظامی جدید علیه ایران خبر داده است. براساس روایت این شبکه، واشنگتن پس از اطلاع از مقدمات این عملیات، مانع پیشبرد آن شده است؛ موضوعی که از وجود اختلاف نظر درباره زمان و دامنه اقدام نظامی حکایت دارد.

۵- برنامه دموکرات‌ها برای تحقیق درباره فعالیت‌های مالی ترامپ- مجله آتلانتیک به برنامه دموکرات‌ها برای گسترش نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی، مالی و تجاری دونالد ترامپ، خانواده و متحدانش پرداخته است. رابرت گارسیا، رییس آتی کمیته نظارت مجلس نمایندگان، از احتمال احضار افراد و نهادها برای بررسی فعالیت‌های تجاری خانواده ترامپ خبر داده؛ اقدامی که می‌تواند بخشی از دستور کار نظارتی آینده دموکرات‌ها باشد. در بخش پایانی گزارش نیز فعالیت اقتصادی شرکت‌های متعلق به ایلان ماسک و قراردادهای دولتی آنها مورد توجه قرار گرفته است.

۶- جنگ ایران و تغییر تمرکز نظامی امریکا از آسیا به خاورمیانه- مجله فارن پالیسی به نقل از استیون سایمون، مقام پیشین شورای امنیت ملی امریکا، پیامدهای راهبردی جنگ ایران برای خاورمیانه و ایالات متحده را بررسی کرده است. سایمون هشدار می‌دهد با ورود ناو هواپیمابر تئودور روزولت به منطقه، حدود سه‌چهارم ناوهای هواپیمابر مستقر امریکا درگیر ماموریت‌های مرتبط با جنگ خاورمیانه خواهند شد. از نگاه او، تداوم جنگ می‌تواند علاوه بر تحمیل هزینه‌های مالی، ظرفیت عملیاتی و توجه راهبردی واشنگتن را نیز از شرق آسیا به خاورمیانه منتقل کند.

جمع‌بندی نهایی- بررسی این شش گزارش نشان می‌دهد پیامدهای جنگ ایران را باید در سه سطح به‌هم پیوسته ارزیابی کرد: نخست؛ انتقال بخشی از هزینه‌های جنگ به اقتصاد و معیشت مردم، از مسیر تورم و کاهش قدرت خرید. دوم؛ دگرگونی مسیرهای تجارت و حمل و نقل و افزایش فشار بر زنجیره تامین و سوم؛ تغییر محاسبات امنیتی و راهبردی قدرت‌های بزرگ. بنابراین سنجش آثار جنگ نباید صرفا به خسارت‌های نظامی یا نوسان بازار نفت محدود بماند، بلکه تاثیر آن بر مصرف خانوارها، تجارت منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری، اشتغال و ظرفیت عملیاتی قدرت‌های جهانی نیز باید در کانون توجه قرار گیرد.

منبع: اینترنت

«تعادل» گزارش می‌دهد

تقابل‌های ژئوپلیتیک و واقعیت عرضه در بازار طلای سیاه



بازار جهانی انرژی در پایان معاملات هفتگی، بار دیگر چهره متناقض و پرالتهاب خود را به رخ کشید. معاملات نفت خام در روز جمعه در حالی به کار خود پایان داد که هر چند شاخص‌های اصلی با تکیه بر تشدید ریسک‌های امنیتی سومین روز پیاپی صعودی را تجربه کردند، اما کارنامه پایانی هفته حاکی از افتی بیش از دو درصدی بود. برنت دریای شمال با رشد اندک ۰.۳ درصدی در سطح ۹۶ دلار و ۱۳ سنت برای تحویل در ماه ژانویه تثبیت شد و شاخص وست تگزاس اینترمدیت برای تحویل در دسامبر با افزایش ۰.۲ درصدی به ۸۸ دلار و ۹۲ سنت رسید. این نوسانات رفت‌وبرگشتی نشان می‌دهد معامله‌گران نفتی میان داده‌های ضدونقیض بازگشت عرضه از یک‌سو و بن‌بست‌های دیپلماتیک و تنش‌های ژئوپلیتیک از سوی دیگر گیر افتاده‌اند؛ بازی شکننده‌ای که طلای سیاه را میان بنیادهای فیزیکی بازار و امواج سنگین اخبار سیاسی سرگردان کرده است.

کاهش هفتگی ۲.۲ درصدی نفت برنت و افت ۲.۱ درصدی شاخص نفت امریکا، به دنبال ثبت بدترین عملکرد هفتگی برنت از اواخر آوریل ۲۰۲۰ در هفته گذشته، نخستین نشانه از بازنگری معامله‌گران در ارزیابی خطرات عرضه بود. با این وجود، تمرکز صرف بر افت مقطعی هفته‌های اخیر ممکن است گمراه‌کننده باشد، چرا که بهای برنت از آغاز سال جاری میلادی تاکنون همچنان جهشی در حدود ۶۰ درصد را حفظ کرده است. این شکاف عمیق قیمتی نسبت به سال گذشته، آیینه تمام‌نمای ورود بحران خاورمیانه به نهمین ماه فرسایشی خود و دگرگونی بنیادین مسیرهای سنتی انتقال انرژی است. در بطن این تحولات، نوعی دوگانگی آشکار میان ذهنیت فعالان بازار شکل گرفته است؛ گروهی که بر فرضیه گشایش‌های دیپلماتیک و مهار بحران شرط‌بندی کرده بودند، با موجی از سیگنال‌های واگرا روبه‌رو شدند و گروهی دیگر، واقعیت‌های میدانی و شکنندگی جریان ترانزیت را مانعی پایدار در برابر هرگونه افت پایدار و عمیق قیمت می‌دانند. هفته معاملاتی گذشته با امیدهایی لرزان پیرامون آغاز روندهای تنش‌زدایی و مذاکرات در خاورمیانه کلید خورد، اما دیری نپایید که تحولات میدانی، خوش‌بینی‌های شتاب‌زده را به حاشیه راند. گزارش‌ها درباره حملات نیروهای مسلح یمن به تاسیسات و زیرساخت‌های کلیدی انرژی عربستان سعودی و بروز رخدادهای امنیتی مکرر برای تانکرهای نفتکش در آبراه‌های خلیج فارس، یادآور این واقعیت فراموش شده بود که گلوگاه‌های انتقال نفت در منطقه همچنان در تیررس بحران قرار دارند. همزمان با شوک‌های فیزیکی در مسیر ترانزیت، ادبیات تهاجمی مقامات ارشد واشنگتن نیز تیر خلاصی بر سناریوهای کوتاه‌مدت آتش‌بس وارد کرد. تاکید وزیر خزانه‌داری امریکا بر رویکرد تهاجمی کاخ سفید مبنی بر بی‌نیازی به دستیابی به تفاهم و پافشاری بر تداوم و تشدید فشارهای سنگین اقتصادی، پیام روشنی به بازار مخابره کرد: ریسک ژئوپلیتیک نه تنها تعدیل نشده، بلکه راهبرد تحمیل فشار حداکثری، ثبات ساختاری بازار را به گروگان گرفته است. نتیجه طبیعی تقابل خط ترانزیت شکننده با دیپلماسی انسداد، جلوگیری از سقوط آزاد قیمت‌ها و بازیابی نسبی قیمت در روزهای پایانی هفته بود. در نقطه مقابل التهابات ژئوپلیتیک، تلاش نهادهای غربی برای تحمیل آرامش روانی به بازار به چشم می‌خورد. ادعای آژانس بین‌المللی انرژی مبنی بر اینکه میزان عرضه جهانی نفت برای نخستین بار پس از گذشت ماه‌ها نبرد از تقاضا پیشی گرفته، با هدف القای «حرکت به سوی تعادل مجدد» صورت گرفت. طبق ادعای این آژانس، صادرات نفت خام از منطقه خلیج فارس رو به بهبود نهاده و به حدود سه‌چهارم سطوح پیش از بحران بازگشته است. اما واقعیت مازاد ادعایی در بوته آزمون بازار با تردیدهای فنی روبه‌رواست. پیشی گرفتن صوری عرضه بر تقاضا در اسناد کاغذی، لزوما به معنای امنیت پایدار فیزیکی انرژی نیست. هرگونه مازاد پیش‌بینی شده در بازاری که ذخایر استراتژیک قدرت‌های مصرف‌کننده در سطوح پایینی قرار دارد و ظرفیت مازاد تولید متمرکز در چند پالایشگاه و میدان خاورمیانه است، با کوچک‌ترین جرقه‌ای در آبراه‌ها دود می‌شود و به هوا می‌رود. تکیه آژانس بر عادی‌سازی جریان تولید، بیش از آنکه بازتاب‌دهنده واقعیت تدارکاتی پالایشگاه‌ها باشد، تلاشی برای مهار انتظارات تورمی در اقتصادهای مصرف‌کننده نفت به شمار می‌رود. تغییر محسوس در حجم تولید اوپک، ضلع سوم این سناریوی پیچیده است. آمارهای ماه اکتبر نشان می‌دهد تولید نفت این ائتلاف با جهشی قابل توجه به میزان ۱.۹۶ میلیون بشکه در روز، رقم ۲۷.۱۶ میلیون بشکه در روز را ثبت کرده است؛ آماری که از نزدیک شدن معنادار سطح عرضه به مرزهای پیش از درگیری‌ها (۲۸.۶۳ میلیون بشکه در فوریه) حکایت دارد. موتور محرک اصلی این افزایش کم‌سابقه، عربستان سعودی بوده است که تولید روزانه خود را از ۸.۳۷ میلیون بشکه در ماه سپتامبر به ۱۰.۵۶ میلیون بشکه در اکتبر رسانده است؛ جهشی بالغ بر دو میلیون بشکه در روز که نشان‌دهنده فراخوان حداکثری ظرفیت‌های معطل تولید است. این مانور تولیدی گسترده، اگرچه در کوتاه‌مدت توانسته خلأهای فیزیکی ناشی از اخلال در بازارهای صادراتی را پر کند و مانع پرواز قیمت‌ها به بالای مرز روانی ۱۰۰ دلار شود، اما حامل خطری زیرپوستی برای پایداری میان‌مدت بازار است. رساندن خروجی نفت به بالای ۱۰.۵ میلیون بشکه به منزله کاهش شدید ظرفیت مازاد تولید است. تقلیل این ضربه‌گیر حیاتی به پایین‌ترین سطوح تاریخی، شکنندگی بازار را دوچندان می‌کند، زیرا در صورت تشدید دامنه تقابلات منطقه‌ای، دیگر هیچ اهرم جایگزینی برای جبران کمبودهای ناگهانی در دسترس نخواهد بود. نوسان شاخص برنت روی تراز ۹۶ دلار، بیانگر رسیدن بازار به یک نقطه تعادل شکننده و مسلحانه است. از یک طرف، تلاش تهاجمی اوپک با پیشتازی ریاض برای احیای جریان صادرات و سناریوپردازی آژانس بین‌المللی انرژی پیرامون بازگشت مازاد، کف حمایتی بازار را تحت فشار قرار می‌دهد؛ از سوی دیگر، مسدود بودن افق‌های دیپلماتیک میان واشنگتن و تهران، گسترش دامنه آتش به زیرساخت‌ها و ناامنی عینی مسیرهای تردد تانکرها، پرمیوم ریسک ژئوپلیتیک سنگینی را روی هر بشکه نفت حفظ کرده است. تا زمانی که راه‌حل‌های پایدار سیاسی شکل نگیرد و امنیت فیزیکی بدون محافظت‌های شکننده تضمین نشود، عقب‌نشینی‌های دوره‌ای بهای طلای سیاه موقتی خواهد بود. بازار جهانی نفت همچنان بر لبه تیغ حرکت می‌کند؛ جایی که کوچک‌ترین خطا در محاسبات سیاسی یا تکرار وقایع امنیتی برای تانکرها می‌تواند موج صعودی تازه‌ای را کلید بزند و برنت را از کانال پرنوسان ۹۰ دلاری به قله‌های غیرقابل کنترل جدیدی پرتاب کند.

عضو فراکسیون مستقلین:

با بنزین و معیشت مردم بازی نکنید



عضو فراکسیون مستقلین ولایی مجلس با طرح این پرسش که چگونه روزانه ۳۰ میلیون لیتر بنزین قاچاق می‌شود، اما مسوولان از آن بی‌خبرند، گفت: اگر توان مقابله با قاچاق سوخت را ندارید، این کار را به همین مردمی بسپارید که در خیابان‌ها حضور دارند تا ببینید می‌توانند جلوی قاچاقچیان را بگیرند یا خیر. به گزارش ایسنا، روح‌الله لک‌علی‌آبادی در جلسه علنی وبیناری (یکشنبه ۲۴ آبان) در نطق میان دستور خود اظهار کرد: امریکای جنایتکار و رژیم کودک‌کش صهیونیستی در محاسبه‌ای سراسر خطا و توهمی بزرگ چنین پنداشتند که با ترور و به شهادت رساندن امام انقلاب، زمینه فروپاشی نظام مقدس را فراهم می‌آورند اما آنان شخصیتی را هدف قرار دادند که تجسم حکمت، شجاعت، بصیرت و دوراندیشی بود. وی ادامه داد: شهادت مظلومانه ایشان نه تنها ملت ایران، بلکه بخش بزرگی از ملت‌های مسلمان و دوستداران حقیقت و آزادگی را در سوگی عمیق فروبرد و ملتی بزرگ را برای خونخواهی این ابرمرد تاریخ مبعوث کرد. نماینده دورود و ازنا با اشاره به انتخاب رهبر جدید از سوی مجلس خبرگان رهبری گفت: در این زمان حساس، مجلس خبرگان رهبری در انجام رسالت خطیر خود، شخصیتی جامع‌الشرایط و شایسته را شناسایی کرد و زعیم امت اسلام، حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، پرورش‌یافته مکتب پرفروغ اهل بیت (ع)، فقیه آشنا با ژرفای معارف وحیانی در یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخ ایران و تشیع به جهان اسلام معرفی شد تا نماد استمرار عزت، استقلال و اقتدار ملی باشد. وی افزود: با توجه به مطالبه مکرر مومنان و جوانان عزیزی که مقلد رهبر معظم انقلاب هستند، از دفتر ایشان درخواست دارم راهی برای پاسخگویی به استفتائات شرعی مردم فراهم کند. این نماینده مجلس با اشاره به حضور مردم در صحنه‌های مختلف گفت: ملت بزرگ ایران در روزهای حساس و سرنوشت‌ساز نشان دادند که پای امنیت ایران ایستاده‌اند. پویش مردمی «جان‌فدا» و لبیک میلیونی مردم در همراهی با این حرکت، جلوه‌ای از همین باور و عزم ملی است. لک‌علی‌آبادی ادامه داد: امروز ما نمایندگان ملت بار دیگر در تجدید پیمان خود با مردم همصدا شده‌ایم و مجمع نمایندگان «جان‌فدا» با امضای قریب به ۲۲۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تشکیل شد. وی با بیان اینکه اعضای این مجمع بر عهد خود با مردم پایبند خواهند بود، اظهار کرد: ما مجمع نمایندگان جان‌فدا عهد می‌بندیم وفاداری به امام راحل و امام شهید را در عمل، تبعیت از رهبری معظم را در مسوولیت‌پذیری، اتحاد مقدس را در همبستگی ملی، حمایت از مقاومت را در دفاع از استقلال و جان‌فدایی برای ملت و کشور را در خدمت صادقانه، شجاعت در مطالبه‌گری و ایستادگی در برابر فساد و بی‌عدالتی متجلی سازیم. نماینده دورود و ازنا در ادامه با انتقاد از عملکرد برخی مسوولان گفت: من از بیگانگان هرگز نمی‌نالم، چرا که وقتی بیگانگان تجاوز می‌کنند، مردم با مشت پولادین در دهانشان می‌زنند، اما نمی‌دانیم با برخی آشنایان ناآگاه چه کنیم که با تصمیم‌های خلق‌الساعه خود زندگی مردم را دشوار می‌کنند. وی افزود: بعضی از مسوولان اگر کار نکنند، مردم راحت‌ترند و اگر حرف نزنند، مملکت آرام‌تر است. از سخنگوی دولت می‌خواهم سخنی نگوید و برخی مسوولان نیز اظهارنظر نکنند، چرا اعصاب مردم را به هم می‌ریزید؟ اگر حرف حسابی برای گفتن ندارید، دست کم سکوت کنید. لک‌علی‌آبادی با اشاره به مشکلات اقتصادی و افزایش قیمت کالاهای اساسی گفت: تورم زندگی مردم را تحت فشار قرار داده است؛ از گوشت و مرغ گرفته تا دارو و حالا نیز موضوع بنزین مطرح شده است. چرا برخی متوجه نیستند که مردم با دشواری زندگی می‌کنند؟ این نماینده مجلس با انتقاد از طرح موضوع بنزین و راهکارهای پیشنهادی برای مدیریت مصرف سوخت گفت: اگر دولت می‌خواهد به فکر سوخت باشد و مشکل بنزین را حل کند، باید جلوی قاچاقچیان را بگیرد، خودروها را اصلاح کند و با مافیا مقابله کند. چرا هر زمان می‌خواهیم جراحی اقتصادی انجام دهیم، فشار آن بر مردم وارد می‌شود؟ در هر جراحی اقتصادی، بخشی از گوشت تن مردم قربانی می‌شود. وی با طرح این پرسش که چگونه روزانه ۳۰ میلیون لیتر بنزین قاچاق می‌شود، اما مسوولان از آن بی‌خبرند، گفت: اگر توان مقابله با قاچاق سوخت را ندارید، این کار را به همین مردمی بسپارید که در خیابان‌ها حضور دارند تا ببینید می‌توانند جلوی قاچاقچیان را بگیرند یا نه. لک‌علی‌آبادی تاکید کرد: با بنزین بازی نکنید؛ این موضوع می‌تواند کشور را به آتش بکشد. چرا متوجه شرایط مردم نیستید؟ کالابرگ مردم را قطع کرده‌اید، حقوق مردم کافی نیست، قیمت آب و برق افزایش یافته و سفره مردم کوچک‌تر شده است. دست از گلوی مردم بردارید و اجازه دهید نفس بکشند. وی با اشاره به حضور مردم در صحنه و حمایت آنان از کشور گفت: مردم دیگر چه کاری باید انجام می‌دادند که انجام نداده‌اند؟ پس از یک سال که شبانه‌روز در صحنه حضور داشتند، انتظار می‌رود به‌جای تشکر، با تصمیم‌هایی که فشار بیشتری بر زندگی آنان وارد می‌کند، مواجه نشوند. نماینده دورود و ازنا با انتقاد از دشوار شدن تامین نیازهای اولیه زندگی اظهار کرد: خرید خودرو برای مردم به آرزو تبدیل شده، خرید مسکن برای بسیاری از خانواده‌ها دست‌نیافتنی شده و حتی سفر خانوادگی نیز به حسرت تبدیل شده است. وی با انتقاد از توصیه برخی مسوولان برای برنامه‌ریزی چندماهه سفر گفت: با این گرانی‌ها مردم حتی برای هفته آینده خود هم نمی‌توانند برنامه‌ریزی کنند؛ با چه پولی باید به مسافرت بروند؟ لک‌علی‌آبادی در ادامه با اشاره به وضعیت معیشتی بازنشستگان گفت: یک بازنشسته با حقوق ۲۵ میلیون تومان چگونه می‌تواند زندگی کند؟ آیا از تامین هزینه‌های زندگی خود و خانواده‌اش برمی‌آید؟ وی همچنین با اشاره به وضعیت حقوق معلمان افزود: معلمان با فیش‌های حقوقی خود در برابر دانش‌آموزان شرمنده‌اند؛ در حالی که قرار است نسل آینده کشور را تربیت کنند. این نماینده مجلس با انتقاد از وضعیت حقوق پرستاران و نیروهای مسلح نیز گفت: حقوق پرستاران کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد. نیروهای مسلح در برابر دشمن جانانه ایستادند، اما در تامین نیازهای خانواده خود با مشکل مواجهند. وی با اشاره به موضوع تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی گفت: درباره تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی نیز مطالبات و مشکلاتی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. نماینده دورود و ازنا در پایان به وضعیت کارخانه فولاد ازنا اشاره کرد و گفت: از رییس جمهور درخواست دارم به موضوع فولاد ازنا توجه کند. رییس جمهور در آخرین سفر استانی خود به لرستان دستور داد مشکل این کارخانه حل شود.

ادامه از صفحه اول

هزینه‌های حل یک ابرمساله

اجازه داده شده است که این زخم چنین عمیق و دردناک و سرفصل گلایه‌ها و انتقادات مقامات مختلف شود و مثلا رییس قوه قضاییه، رییس سازمان بازرسی را مسوول بررسی «ویژه و جامع» وضعیت حدود ۳۰۰ شرکت دولتی و وابسته به دولت کند و اینکه «این شرکت‌ها بودجه‌های خود را در چه حوزه‌هایی صرف می‌کنند؟ این شرکت‌ها چگونه اداره می‌شوند؟ آیا اساسا وجودشان ضروری است؟...» (۱۴۰۵/۶/۲۴) واقعیت آن است که وقتی بخش اعظم بودجه کشور به شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و موسسات به اصطلاح غیرانتفاعی و... اختصاص می‌یابد. (سهم بیش از ۸۰ درصدی ۴۱ شرکت دولتی از بودجه کل کشور- دیوان محاسبات- ۱۴۰۴/۱۱/۱۹) هیچ ابزار نظارتی و کنترلی نمی‌تواند بر این حجم گسترده از منابع و گردش‌های مالی نجومی و... تسلط داشته باشد و نتیجه‌ای جز آنچه واقع شده، حاصل نمی‌شود. زخم عمیق ناکارآمدی شرکت‌های دولتی راحتی انقلاب «سیاست‌های اصل ۴۴» هم نتوانست درمان و تخفیف دهد و ای بسا با ایجاد موجودات عجیب‌الخلقه «خصولتی»‌ها این زخم را ناسورتر هم کرد. سیاست‌هایی که قرار بود سبب «افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی» و «ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری» و «کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی» و «افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی» و...شود و اما تقریبا عکس تمامی این اهداف حاصل شد و به جای فضای رقابتی و ارتقای جایگاه و نقش دولت و بزرگ شدن بخش خصوصی به «بحران دولت» و تسخیر شدن آن توسط گروه‌های ذی‌نفوذ انجامید. بحرانی که سبب شده تا منابع عمومی نه در خدمت خیر عمومی، بلکه در جهت منافع افراد و گروه‌های خاص قرار گیرد. گروه‌ها و افرادی که با ناکارآمد کردن هر چه بیشتر بروکراسی و کنترل نهادها و ایجاد ساختارهای موازی یا «دولت سایه»، آگاهی و آزادی و حق انتخاب شهروندان را محدود و دولت مستقر را ضعیف و ناتوان و اسیر روزمرگی می‌کنند. نظام حکمرانی که به تعبیر دکتر مسعود نیلی نقشی «وارونه» یافته است. یعنی آنکه در ایفای کارویژه‌های اصلی خود شامل: «تسهیل‌گری برای رشد»، «محدودکنندگی در حوزه منابع طبیعی و محیط زیست»، «حمایت اجتماعی» و «انتخاب پیشران‌های توسعه» کمتر موفقیتی داشته است. به‌طوری که «در حوزه‌هایی که باید تسهیلگر باشد، محدودکننده بوده و در مقابل در حوزه‌هایی که باید اعمال محدودیت کند، تصمیم‌های تسهیلگر در مسیر تخریب منابع طبیعی و تشدید عدم تعادل‌های کلان اقتصاد کلان اتخاذ کرده است.» (چالش‌های صنعتی شدن ایران) با یک نگاه ساده به نظام مالکیتی و مدیریتی بنگاه‌های اقتصادی کشورمان به خوبی مشخص می‌شود که بنگاه‌هایی که از رانت نفت یا گاز یا سنگ آهن، حق بهره بهره‌برداری و مجوزه‌هایی که دولت برای ماموریت واردات می‌دهد، مثل صنعت خودرو و هر بنگاهی که یک منشا رانت در آن وجود دارد، جزو بنگاه‌های غیر خصوصی است و همچنان هم خواهد بود و ذی‌نفعان این رانت‌ها هم عمدتا همان عواملی هستند که از این سیاست‌ها حمایت می‌کنند و باعث می‌شوند این سیاست‌های اقتصادی تداوم یابد. در این میان نقش و سهم بخش خصوصی واقعی در فعالیت‌های اقتصادی و واگذاری‌ها، عمدتا در حوزه صنایع غذایی و بخش ساختمان و مسکن و ساخت و ساز بوده است. بر این اساس اگر قرار بر تغییر وضعیت شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی و خصولتی از زیان‌های انبوهی باشد که با ناکارآمدی و فساد به اقتصاد ملی وارد می‌کنند راهکار نه فقط تغییرات روبنایی و جابه‌جایی مدیران و هیات مدیره‌های نالایق و... (که در جای خود امری لازم و ضروری است)، بلکه اساسی‌تر از آن تغییر راهبردها و سیاست‌هاست و مهم‌ترین آنها تغییر الگوهای اقتصادی از «خودکفایی»، «جایگزینی واردات» و اتکا به صنایع مبتنی بر منابع خام طبیعی به الگوهای «صادراتی» و «رقابتی» است. متاسفانه به قول دکتر نیلی «اقتصاد کشورمان دهه‌هاست که بین دو وضعیت «کاملا دستوری» دولتی درونگرا و «کمتر دستوری» دولتی درونگرا در نوسان بوده است. اقتصادی که طی چهار دهه گذشته، هیچ‌گاه برونگرا نبوده است.» (ناتوانی دولت‌ها در یادگیری) تغییری اگر بخواهد انجام شود، تغییرات ساختاری در الگوها و مدل‌های توسعه‌ای و ایجاد فضای آزاد و رقابتی و در تعامل با جهان است. آیا حاضر به پرداخت هزینه‌های این تحول بنیادین هستیم یا خیر؟! امید که نظام حکمرانی بر این مدار قرار گیرد و نه تزریق مسکن‌هایی که جز از دست دادن آخرین امکان‌ها و فرصت‌ها برای اصلاح، نتیجه دیگری در بر ندارد که چنین مباد!

خبر

عضو هیات نمایندگان اتاق ایران عنوان کرد

پیشنهاد تشکیل شورای راهبردی انرژی

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران، با انتقاد از الزام صنایع به احداث نیروگاه در قالب ماده ۴، خواستار بازنگری در این سیاست شد و گفت: عبور از ناترازی انرژی نیازمند اصلاح حکمرانی، توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و ایجاد هماهنگی میان نهادهای مسوول است. به گزارش ایسنا، حمیدرضا صالحی در جلسه هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران با اشاره به اینکه ایران از منابع عظیم گاز و انرژی خورشیدی برخوردار است، اظهار کرد: برای عبور از ناترازی باید راهبردی ملی با سه هدف کوتاه‌مدت جلوگیری از توقف تولید و صنعت، میان‌مدت ایجاد تعادل پایدار میان تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری و بلندمدت تبدیل ایران به بازیگری موثر در بازار منطقه‌ای انرژی تدوین شود. وی پنج محور اصلی این راهبرد را توسعه و افزایش عرضه گاز، تنوع‌بخشی به سبد تولید برق، بهینه‌سازی مصرف و ارتقای بهره‌وری، اصلاح بازار برق و سازوکارهای سرمایه‌گذاری و توسعه تجارت منطقه‌ای انرژی عنوان کرد. صالحی با بیان اینکه حدود ۸۰ درصد نیروگاه‌های کشور به گاز وابسته‌اند، بر ضرورت سرمایه‌گذاری در توسعه میادین گازی، افزایش ظرفیت تولید پارس جنوبی، جمع‌آوری گازهای مشعل و بهینه‌سازی مصرف گاز در ساختمان‌ها تاکید کرد و گفت: نباید تنها به افزایش تولید گاز توجه کنیم، بلکه باید ارزش اقتصادی هر مترمکعب گاز را نیز افزایش دهیم.

ادامه از صفحه اول

هزارتوی ناترازی بنزین

در دنیا مردم اگر خیلی در رفاه باشند، سالی دو بار به تعطیلات می‌روند. در کشور ما، هر هفته یا دو هفته یک‌بار به شمال رفتن چه منطقی دارد؟ آیا این حجم از انرژی که در جاده‌های غیراستاندارد و با خودروهای غیراستاندارد مصرف می‌شود، به ضرر کشور نیست؟ چرا به جای این همه مصرف سوخت، روی قطارهای سریع‌السیر سرمایه‌گذاری نمی‌کنیم؟ و نکته مهم‌تر؛ خودروی شاسی‌بلند! کی گفته مردم باید در شهر از خودروهای شاسی‌بلند شش‌سیلندر و هشت‌سیلندر پرمصرف استفاده کنند؟ وقتی خودرو تبدیل به وسیله تفاخر و فخرفروشی می‌شود، این خودروهای گران‌قیمت پرمصرف می‌افتد زیر پای یک عده نوکیسه. دیر یا زود دولت باید با این هرج‌ومرج برخورد کند.

■ اشاره کردید که بخشی از مشکل به خودروهای پرمصرف برمی‌گردد. اما قیمت خودرو در ایران چند ده برابر میانگین جهانی است و تکنولوژی پیشرویی دارد. آیا این درست است که در بخش مصرف بنزین، مردم را با استانداردهای جهانی مقایسه می‌کنند، اما وقتی پای ظرفیت‌های استاندارد در حوزه‌های حمل و نقل و صنعت خودرو و... می‌رسد کمترین استانداردها مورد توجه قرار گیرند؟

حق با شماست. من نمی‌خواهم به عنوان یک استاد دانشگاه که سال‌ها در اروپا تحصیل کرده، خطای تحلیلی فعلی را بپوشانم. چرا دولت این کار را می‌کند؟ چون صنعت خودروی ما از اساس غلط است. هر مدیری که به کارخانه‌های بزرگ می‌آید، انگار ۲۰۰۰ نفر را با خودش آورده که باید استخدام شوند؛ فارغ از اینکه تولید صرفه اقتصادی داشته باشد یا خیر؟ این رانت‌های عجیب‌وغریب و نیروی انسانی مازاد، باعث شده کارخانه‌ها زیان‌ده باشند. وقتی هم کارخانه زیان‌ده است، مجبور است خودرو را گران بفروشد. جالب اینجاست که وقتی دولت شعار کنترل تورم می‌دهد، اولین کسی که تورم را افزایش می‌دهد، همین شرکت‌های اینترنتی یا خودروسازان هستند. این زنجیره ناسالم است که به گردن مردم فشار می‌آورد. ما داریم از همه طرف می‌خوریم؛ قبض گاز را چنان برای مردم صادر می‌کنند که انگار تعمیرات جزیی، هزینه چندمیلیونی دارد!

■ در صحبت‌هایتان به تاکسی‌های اینترنتی هم اشاره کردید. آنها در ابتدا ادعا می‌کردند به بهبود حمل‌ونقل کمک می‌کنند، اما حالا خودشان به بخشی از چالش‌ها تبدیل شده‌اند. نگاه شما به این پدیده چیست؟

معتقدم در زمینه حمل و نقل عمومی از جمله تاکسی‌های اینترنتی باید نظارت‌ها افزایش یابند. از سوی دیگر باید مراقب بود که در هیچ حوزه‌ای انحصار ایجاد نشود. این روزها بسیاری از افراد از استان‌های مختلف به تهران و کلانشهرها هجوم می‌آورند تا با استفاده از بنزین ارزان قیمت ظرف ۶ ماه یک سرمایه قابل توجه به هم بزنند. این افراد نه خانه‌ای اجاره می‌کنند نه خودروی استانداردی دارند و نه ذیل نظارت‌های دقیقی قرار دارند. اما با استفاده از بنزین ارزان سودهای کلان می‌برند. اگر درآمد راننده تاکسی اینترنتی با من استاد دانشگاه برابری کند، یک جای کار می‌لنگد. این یعنی سیستم نظارتی شهرداری و شورای شهر وظیفه خود را انجام نداده است. حمل‌ونقل شهری، صنعت خودرو، توزیع بنزین و تاکسیرانی؛ همه اینها زنجیره‌های به‌هم‌متصلی هستند که اگر در هر کدام رانت و سوءمدیریت باشد، نتیجه‌اش همین هرج‌ومرجی می‌شود که امروز با آن دست‌به‌گریبان هستیم. ما نیاز به اصلاح ساختاری داریم، نه برخوردهای مسکن‌وار. به نظرم همه باید از ایده‌های دولت برای اصلاح الگوی مصرف سوخت حمایت کنند. ضمن اینکه به هر حال باید موضوع قاچاق سوخت به بیرون از کشور یک‌بار برای همیشه حل شود. بی‌تردید ساختاری که توانسته در برابر ابرقدرت جهانی یعنی امریکا ایستادگی کرده و آن را به عقب براند، می‌تواند در برابر شبکه‌های قاچاق سوخت هم ایستادگی کرده و به نفع منافع مردم عمل کند. سالانه ۸ الی ۹ میلیارد دلار از سوختی که با سرمایه همین مردم تهیه شده راهی کشورهای همسایه می‌شود و سود آن را قاچاقچیان و دلالان می‌برند. اینکه دولت چهاردهم تلاش کرده تا جلوی این آشفتگی و فساد را سد کند، جای امیدواری دارد. شمای رسانه، من استاد دانشگاه، نماینده مجلس و همه اقشار باید به دولت کمک کنیم تا این بار را به مقصد برساند. در مورد بحث بنزین هم معتقدم دولت باید یک راه میانه را برگزینند تا هم مردم به سفرهای خود و نیازمندی‌های مشروعشان برسند و هم زمینه برای قاچاق سوخت فراهم نشود. استفاده از کارت بانکی به نظرم ایده‌ای است که می‌تواند در این زمینه تاثیرگذار باشد.

انضباط پولی بدون اصلاح ناترازی بانک‌ها ممکن نیست

این مساله به‌ویژه برای واحدهای تولیدی کوچک و متوسط که دسترسی محدودی به منابع جایگزین تامین مالی دارند، اهمیت بیشتری دارد. با این حال نباید میان نقد پیامدهای احتمالی سیاست انقباضی و نادیده گرفتن ضرورت مهار تورم خلط کرد. تورم نیز خود یکی از عوامل جدی آسیب به تولید و سرمایه‌گذاری است. افزایش مستمر قیمت مواد اولیه، تجهیزات، دستمزد و سایر هزینه‌های تولید، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از بنگاه‌ها می‌گیرد و قدرت خرید خانوارها را کاهش می‌دهد. بنابراین سیاستگذار نمی‌تواند صرفا با استناد به آثار احتمالی افزایش نرخ سود بر تولید، از ضرورت کنترل تورم چشم‌پوشی کند. مساله اصلی، انتخاب میان مهار تورم و حمایت از تولید نیست، بلکه طراحی سیاستی است که بتواند بدون وارد کردن فشار غیرضروری به بخش مولد اقتصاد، زمینه کنترل پایدار تورم را فراهم کند.

نرخ سود بین‌بانکی زنگ خطر برای بورس؟

نرخ سود بین‌بانکی را باید یکی از حلقه‌های مهم ارتباط میان سیاست پولی، عملکرد شبکه بانکی و فعالیت‌های اقتصادی دانست. این نرخ از یک سو، شرایط عرضه و تقاضای نقدینگی و انتظارات فعالان بازار را منعکس می‌کند و از سوی دیگر، بر هزینه تامین مالی، رفتار اعتباری بانک‌ها و تخصیص منابع در اقتصاد اثر می‌گذارد. از این رو، تحلیل دقیق آن مستلزم توجه همزمان به متغیرهای پولی، مالی و ساختار بازارهای مالی است. درک این ارتباطات متقابل می‌تواند به ارتقای کیفیت مدیریت نقدینگی در شبکه بانکی و افزایش اثربخشی سازوکار انتقال سیاست پولی کمک کند.